

8 2016
December



۱۳۹۵
آذرماه ۱۸



نگاهی نو به روش های تربیتی (الگوی ، تشویق و تنبیه) معلم بر تربیت اجتماعی کودک از منظر تعالیم اسلامی

هادی دهانی^۱، محمد یحیی آبادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پیوسته ، دانشکده علامه طباطبائی سبزوار، دانشگاه فرهنگیان ، ایران

hadi.dehani۱۹۹۶@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی پیوسته ، دانشکده علامه طباطبائی سبزوار، دانشگاه فرهنگیان ، ایران

Mohammad.yahyabadi۲۰۰۰@gmail.com

چکیده

ازجمله مهمترین مسائل زندگی همه انسانها مسئله تربیت و معرفت حاصل از آن و روابطی که بر آن حاکم است، می باشد و با توجه به اهمیتی که در حیات انسان دارد دین اسلام نیز و آموزه های بزرگان که به عنوان منبعی ارزشمند و مملو از نکات اخلاقی و تربیت است به این مهم پرداخته ، صرف نظر از این که تعلیم و تربیت اجتماعی و اصول حاکم بر آن که مطلوب همه جوامع بوده و توجه بشر را از دیر باز به خود معطوف نموده است . بر این اساس هدف این پژوهش « نگاهی نو به روش های تربیتی (الگوی، تشویق و تنبیه) معلم بر تربیت اجتماعی کودک از منظر تعالیم اسلامی است». که مهمترین این روش ها عبارتند از : روش الگویی ، تشویق و تنبیه . در روش الگویی ؛ مربیان باید بکوشند تا با عمل خود کودکان را به راه صحیح رهنمون شوند و خود با اعمالشان الگوی کودکان قرار گیرند، در کاربرد روش تشویق ؛ تشویق باید با کار کودک متناسب باشد و بهتر است پاداش همگام با موفقیت های تدریجی کودک بزرگ شود، در پایان نیز روش تنبیه ؛ تنبیه زمانی به کار می آید که کودک بداند کاری که انجام می دهد اشتباه است ، تنبیه باید بلا فاصله و همراه با حذف سایر پاداش ها انجام گیرد و چگونگی بدست آوردن پاداش دوباره برای کودک روشن شود . ابزاری که برای جمع آوری اطلاعات مد نظر بوده بصورت توصیفی و تحلیلی و اطلاعات گرد آوری شده از اسناد و مدارک شامل کتاب ها، مقالات، پایان نامه ها ... بوده است و به همراه آن بررسی و تبیین این روش ها که جهت بهره مندی و استفاده مربیان و صاحبان تعلیم و تربیت اشاره واقع شده است ، بپردازیم .

واژگان کلیدی : تربیت اجتماعی ، الگویی ، تشویق ، تنبیه ، تعالیم اسلامی

**A new approach to educational methods (model, reward and
punishment) on child education from the perspective of Islamic
teachings**

hadi dehani ^۱ , Mohammed Yahya abadi ^۲

^۱ . Student continuous , Allameh Tabatabaei University, Sabzevar, University of educators, Iran

hadi.dehani^{۱۹۹۶}@gmail.com

^۲ . Student continuous, Allameh Tabatabaei University, Sabzevar, University of educators, Iran

Mohammad.yahyabadi^{۲۰۰۰}@gmail.com

Abstract

and is training with the facts, regardless of the social and principles governing education is desirable communities and has attracted the attention of human beings from long time. The aim of this study "A new approach to the principles and methods of education) model, reward and punishment (teacher of children from the perspective of Islamic teachings and social Brtrbyt great religion" That's the most important methods include: a pattern, reward and punishment training has been mentioned, too.

Key words: social education, model, encourage, discipline, Islamic teachings

مقدمه

زندگی همه ما در ارتباط با انسان های دیگر معنا می شود؛ در حقیقت ما در مسیر زندگی نیازمند برقراری ارتباط با اطرافیانمان هستیم . کودکان همانند آب نهرهای باریک، همیشه نمی توانند مستقل و جدا باقی بمانند، ناگزیر روزی باید به دریای اجتماع وارد شوند، بدیهی است حفظ موجودیت در برابر امواج خروشان اجتماع، احتیاج به مهارت های اجتماعی قوی دارد و این در حالی است که بسیاری از والدین حتی کمترین فرصت را به کودکان نمی دهند تا آنان مجال این را داشته باشند که افکار و احساسات خود را نشان دهند . متأسفانه این مشکل، امروزه در بسیاری از خانواده ها مطرح می شود؛ پدر و مادر به قدری درگیر مسائل خود هستند که دیگر وقتی برای دلجویی از فرزندان برایشان باقی نمی ماند؛ درحالی که داشتن این ارتباط از هر وظیفه ای مهمتر است. انسان اصالتاً موجودی است اجتماعی و جاذبه رشد کودک پایه و اساس زندگی انسانی او را تشکیل می دهد . لازمه زندگی اجتماعی، آمادگی روانی ، برخورداری از مهارت های اجتماعی ، اعتماد به نفس و قدرت سازگاری اجتماعی است . بدون تردید از نظر اجتماع مهم ترین بعد شخصیت افراد ، بعد اجتماعی شخصیت است . و در یک کلام ، خانواده ، اساسی ترین بستر رشد شخصیت مطلوب کودک است. یکی از مهم ترین و مؤثر ترین دوران زندگی آدمی که در آن شخصیت فردی پایه ریزی شده و شکل می گیرد؛ دوران کودکی است . امروزه این حقیقت انکار ناپذیر به اثبات رسیده است که کودکان در سنین پایین فقط به توجه و مراقبت جسمانی نیاز ندارند ؛ بلکه این توجه و تربیت باید همه ابعاد وجودی آنها را شامل رشد اجتماعی ، عاطفی ، شخصیت و هوش را در بر گیرد. در این میان نقش پدر و مادر و معلم ، بسیار حیاتی است و کودک روابط اجتماعی خود را از پدر و مادر و معلم می آموزد. اگر بخواهیم کودکی اجتماعی

پرورش دهیم از همان ابتدا باید به نیازهای او پاسخ بدهیم و برای این منظور باید نیازهای اجتماعی او را بشناسیم.

بیان مسئله

از آنجا که مسأله تربیت و معرفت و شناخت حاصل از آن و رابطه ای که برآن حاکم است از جمله مهمترین مسائل زندگی انسان و بویژه زندگی اجتماعی است، و شگفتیها و برکات حاصل از آن که درلایه لایات بزرگ الهی دیده و رموز بزرگ خلقت به این مسأله اساسی توجه دارد. همچنین، اسلام که به عنوان دین کامل و اکمل، آیین الهی زندگی انسان هاست و آموزه های آن که به عنوان منبعی ارزشمند و کارآمد برای استخراج و تبیین مفاهیم و روش های تربیتی است، استفاده نمود. این مسئله را در آن می توان جست وجو کرد، و موضوع تعلیم و تربیت اجتماعی و روش های آن که مطلوب همه جوامع بوده است از دیر باز توجه ذهن بشر را به خود معطوف داشته و در تمام عصر های گوناگون زندگی انسان از اهمیت والایی برخوردار است. لذا بر آن شدیم این موضوع را که یک موضوع مهم و اساسی است به تحقیق در آن بپردازیم. کودکان در روند اجتماعی شدن معمولاً والدین و به خصوص مادر خود را الگو قرار می دهند و رفتار را بر پایه تقلید از دیگران پایه گذاری می کنند. بنابراین شناخت نیازهای کودک و تصحیح الگوهای رفتاری نقش مهمی را در شخصیت اجتماعی کودک خواهد داشت. از خصوصیات بارز انسانها، اجتماعی کردن کودکان است. حمایت شیوه درست فرزند پروری برفتارها یا اعمال محبت آمیز، مساعدت و همیاری که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز می دارند، اشاره دارد. شیوه درست تربیت و فرزند پروری که کودکان از والدین خود دریافت می کنند منجر به سلامت پایدار قابل توجهی می شود، زیرا رابطه والدین و فرزندان با فراهم آوردن شرایط و افزایش سلامت موجب رشد و تحول روانی، اجتماعی و زیستی می شود. در حقیقت شیوه های درست فرزند پروری بررشد و افزایش سلامت روانی فرد تأثیر می گذارد. بویژه در طول دوران اولیه زندگی، والدین اغلب منع اصلی برای رشد احساس عزت نفس و یادگیری راه های اعمال کنترل شخص می باشند.

تعریف واژگان

کلمه تربیت از ریشه ربا، یربوا گرفته شده و معنای آن عبارت از شناخت و رشد است. معنای دیگر تربیت عبارت است از پاک ساختن است (رشید پور، ۱۳۷۳: ۸). بنابراین تربیت به معنای رشد و نمو دادن است. در کتاب المنجد چنین آمده که: زکی یزکی یعنی گندم رشد و نمو پیدا کرد. که این با معنای تربیت که رشد و نمو است مطابقت پیدا می کند. در باب تربیت دانشمندان و بزرگان زیادی زبان به تعریف گشوده اند اما هریک از جناحی خوب و از طرفی قابل تأمل و نقد است. به طور مثال برخی از دانشمندان تربیت را تبدیل قوه ها به فعلیت دانسته اند (همان، ۱۳۷۳: ۱۱). در نظر عده ای انسان در آغاز دارای قوه هایی است که باید کسی آن را به فعلیت برساند و هرکسی این کار را انجام دهد، مربی است و عده ای دیگر نیز بر این نظر که «تربیت عبارت از شکوفایی و پرورده ساختن است» (همان، ۱۳۷۳: ۱۲). مانند درختی که میوه می دهد اما این هنر کشاورز (مربی) است که با توجه به اصول کشاورزی و خلاقیت خود این درخت را پرورده تر و بارورتر کند. و کار مربی این است که با توجه به اصول و روش های تربیتی، شکوفا ساخته و او را پرورده گرداند که این عمل را تربیت گویند. اما در تعریف دیگر از تربیت آمده که تربیت به جریان یا فرآیندی منظم و مستمر گفته می شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک مهارت بشری و هنجارهای مورد

پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد های آنان است. بنا به این تعریف، یک نظام تربیتی مؤفق هم به فرد در شکوفا شدن استعداد های ذاتی اش کمک می کند و هم او را به عنوان یک فرد آگاه از مسائل جهانی و متعهد به ارزش های جامعه ای که به آن وابسته است پرورش می دهد که هدف عمده همه مدارس پیش از دانشگاه و سایر مؤسسات آموزش عالی پرورش دادن این گونه افراد است (سیف، ۱۳۹۲: ۳۸). همچنین واژه تربیت از ریشه «رَبَّ، یَرْبُوا یا رَبَّی و یا رَبَّ، یُربُّ» می باشد به معنای پروریدن، سرپرستی، رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکوکردن، به تعلیم و تکامل رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن به اعتدال رسانیدن می باشد و اگر منظور از تربیت انسان باشد یعنی فرهیختن انسان (دفترحوزه همکاری و دانشگاه، ۱۳۸۱: ۸۹). تربیت در اصطلاح قرآن، پرورش جسم و تن را هم شامل می گردد؛ جایی که فرعون حضرت موسی (ع) را بازشناخته و وی را مورد خطاب قرار می دهد: «تو آن کودکی نیستی که ما پرورديم و سالها عمرت در نزد ما گذشت؛ اَلَمْ نُرَبِّکَ فِینَا وَلِیداً وَ لَبَّثْتَ فِینَا مِنْ عُمُرٍ سِنِینَ» (شعراء، آیه ۱۸). با توجه به معنا و مفهوم یاد شده ادر بحث تربیت انسان، واژه تربیت بر پرورش استعداد های انسانی یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعداد های آدمی دلالت می کند و در عین حال مقوله تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیاز های زندگی بشری است و نه تنها لازمه جدایی ناپذیر زندگی، که متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گورش جلوه ای از آن است (مرزقی و اناری نژاد، ۱۳۸۶). تربیت از جمله مباحثی است که در طول تاریخ مورد توجه نوع بشر بوده و اقدام در جهت تربیت آدمی در تمام جوامع ابتدایی و انسان های اولیه صورت گرفته تا در جوامع متمدن و انسان های فرهیخته، وجود داشته است. اگر چه تربیت در میان اقوام مختلف و در سیر تاریخی اش ظهور و بروز متفاوتی داشته و به شیوه های گوناگون اعمال گردیده، اما تجلی تمامی این اقدامات، گویای درک انسان ها از ضرورت تربیت بوده است. امام غزالی نیز در این باره می فرماید: «هر کار که عظیم بود، تخم آن اندر کودکی افکنده باشد»، «و چون ابتدا به ادب پرورید؛ این سخن ها چون نقش بر سنگ بود و اگر فرا گذاشته باشند، چون خاک از دیوار فرو ریزد (مفیدی، ۱۳۷۲). در مورد مفهوم تربیت اجتماعی، تعاریف گوناگونی شده است: جامعه شناسان، روانشناسان و انسان شناسان از دیدگاه خود تعریفی از این مفهوم ارائه داده اند. شاید ساده ترین و مختصرترین تعریف این باشد «تربیت اجتماعی عبارت است از سازش و انطباق رفتار فرد با شرایط و هنجارها و ارزش های جامعه اما این تعریف که اطلاعاتی زیادی از چگونگی تربیت اجتماعی در اختیار نمی گذارد. در فرهنگ علوم رفتاری، درمورد تربیت اجتماعی آمده است: تربیت فرآیندی است که به وسیله آن فرد راه ها، افکار، معتقدات، ارزش ها، الگوها و معیار های فرهنگ خاص خود را یاد می گیرد و گروهی نیز تربیت اجتماعی را تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش های داند و آنها را جزو شخصیت خویش می نماید. ضوابط اجتماعی در فرد به منظور مؤثر بودن او در برخوردهای اجتماعی اعم از هدایت دیگران، مخالف با نظرات غیر منطقی، توافق سازگاری و اموری نظیر آنها میداند. تربیت اجتماعی آشنایی بامفاهیم مختلف زندگی گروهی و مزایا و محدودیت های زندگی اجتماعی و شناخت گروه های اجتماعی (خانواده، امت اسلامی و جامعه بشری) و ارزشها و معیار ها و قوانین حاکم بر آنهاست (شکوهی، ۱۳۶۸: ۴۷). اما در جایی دیگر آمده مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه هایی از رفتار آدمی است که به زندگی او در میان

جامعه مربوط است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسؤولیت های خود را نسبت به دیگر هم نوعان و هم کیشان و هم مسلکان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسؤولیت ها اقدام کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷). انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهای خویش ناگزیر است با گروه ها و افراد مختلف در جامعه روابطی را برقرار سازد. این روابط به دلیل پیچیدگی شخصیت و ماهیت اجتماعی و فردی انسان، برای وی مسائلی را بوجود می آورد که باید بتواند بهترین شیوه را برای برخورد با این مسائل بیابد و به آن عمل کند (مرزقی و اناری نژاد، ۱۳۸۶).

روش در تعلیم و تربیت

روش به دستور العمل های جزئی که در راه رسیدن به مقصد، مقصود مورد نظر را بیان می کند، اطلاق می شود (باقری، ۱۳۸۵). بر این اساس، آن دسته از دستورالعمل های جزئی که در قرآن و نهج البلاغه و آموزه های اسلامی و دینی مورد اشاره قرار گرفته است و انسان را در رسیدن به اهداف تربیت اجتماعی یاری می دهند، مورد نظر این تحقیق است. تربیت اجتماعی از مهم ترین ابعاد تربیت در نظام تربیتی اسلامی است. اسلام دین عزلت گزینی و فرد گرایی نیست، بلکه علاوه بر توجه به امور فردی، به مسائل اجتماعی نیز توجه دارد و این یکی از امتیازهای بزرگ دین خاتم است. از دیدگاه امام علی (ع) مسلمانان در جامعه اسلامی با یکدیگر برادر بوده و میان آنها حقوق و تکالیفی وجود دارد «وَلِأَخِيكَ عَلَيْكَ مِثْلُ الَّذِي لَكَ عَلَيْهِ»؛ هر حقی تو به گردن برادرت داری، او هم برگردن تو دارد (حرانی، ۱۳۵۴: ۹۲). اسلام عموم مسلمانان جهان اعم از زن و مرد، سنی و شیعه را یک امت می داند و هر یک از مسلمانان عضوی از جامعه و پیکره اسلام محسوب می گردد؛ إِنَّ أُمَّتَكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَاَنَا رَبُّكُمْ فَعَبُدُون (انبیاء، آیه ۹۲). در تاریخ اسلام آمده وقتی آیه إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ نازل شد پیامبر بزرگوار دستور داد که همه مسلمانان با یکدیگر برادر شوند و خود پیامبر بزرگوار این اخوت را با علی (ع) برقرار ساخت. هر مسلمان باید آنچه برای خود می خواهد برای دیگران نیز بخواهد. و از آنچه که برای خود نمی پسندد برای دیگران نیز نپسندد. اسلام دینی است که همه برنامه هایش هم آهنگ با رشد اجتماعی است. در اسلام عبادت اجتماعی یعنی عبادت گروهی مانند نماز جماعت و نماز جمعه برتر از عبادت فردی است. عمل حج در عین اینکه عبادت الهی است ولی در عین حال جنبه اجتماعی و گروهی آن بر سایر جنبه های آن می چربد خداوند در پرتو این برنامه عبادی و سیاسی خواسته پیوندی استوار و خلل ناپذیر بین جوامع مسلمانان به صورت کنگره ای گسترده و وسیع فراهم آورده مشکلات و دشواریهای مسلمانان در آن مطرح و با اندیشه و تفکر اسلامی حل و فصل گردد.

تربیت اجتماعی و ضرورت آن

وظیفه پدر و مادر در تربیت کودکان خود، تنها در انحصار پرورش مسائل اخلاقی و دینی و مسائل آموزشی نمی باشد بلکه وظیفه دیگری نیز به عهده آنان است و آن عبارت است از آشنا ساختن فرزندان خود با روحیات اجتماعی است و به عبارت دیگر رسم زندگی کردن را باید به فرزندان خود بیاموزند. کودکان همانند آب نهادهای باریک همیشه نمی توانند مستقل و جداگانه باقی بمانند ناگزیر باید به دریای اجتماع وارد گردند (رشید پور، ۱۳۶۶: ۲۱). بدیهی است حفظ موجودیت در برابر امواج خروشان اجتماع احتیاج به نیرومندی و تجهیزات روحی دارد هر پدر و مادری امید دارد که فرزندش در زندگی اجتماعی ارتباط با انسان های گوناگون است و به طور مسلم برخورد و سازش با چهره های مختلف مانند چهره خشمگین، حسود، خود خواه، پر توقع، حساس، زود رنج و کم

گذشت کار هر کسی نمی باشد. بنابراین توانایی و سازش در محیط اجتماعی نیازمند خصوصیات روحی و اخلاقی است که باید زیر بنای آن توسط پدران و مادران و مربیان و معلمان پی ریزی گردد. همان طور که زمینه های اخلاقی و دینی توسط پدر و مادر در محیط خانه پی ریزی می گردد، تربیت اجتماعی از آغاز کودکی باید در محیط خانه به تدریج پایه گذاری شود. بسیاری از پدران بر اساس روش های غر منطقی به کودکان خود مجال سخن گفتن و اظهار نظر نمی دهند و کودک همچون موجودی ساکت و بیجان پرورش می یابد و حال آنکه تربیت نوین کودک را یک انسان کامل تلقی کرده و به او حق می دهد که شخصیتش مورد احترام دیگران قرار گرفته به خود متکی بوده دارای رای و نظر باشد. بدیهی است کودکی که از اول خود را با شخصیت بداند و به تدریج مسئولیتهایی را بپذیرد زمینه های زندگی اجتماعی در او پرورش خواهد یافت. چنین کودکی از رفتن به مدرسه ترس و وحشت نخواهد داشت بزودی خود را با زندگی محیط مدرسه و سازگاری با شاگردان مدرسه انطباق خواهد داد. پس از محیط خانه مدرسه وظیفه دشواری در تربیت اجتماعی کودکان بعهده دارد. به عقیده یکی از دانشمندان تربیتی، مدرسه نباید از جامعه دور باشد شاگرد یکی از افراد جامعه است مدرسه باید جدیت و کوشش کند. علاوه بر اینکه استعداد های او را استخراج می نماید او را زنده و مفید و در عین حال سازگار و مقاوم به جامعه تحویل دهد. بنابراین وظیفه معلمان و مربیان مدرسه این نیست که کودکان را تنها به گوش دادن وادار سازد و مغز آنان را از معلومات پر سازند بلکه بر عکس باید برای آنان محیطی در خور زندگی بوجود آورده اصول اجتماعی را به آنها تعلیم دهد. (همان، ۱۳۶۶: ۲۴).

لزوم آشنایی کودکان با مسائل اجتماعی

کودکان تا زمانی که به زندگی اجتماعی قدم نگذاشته و متن خارج زندگی را لمس ننمایند نسبت به زندگی دارای دید رویایی می باشند. تقریباً همانند خواب شیرینی که کودکان در عالم رویا می بینند جز شیرینی و لطافت چیز دیگری به همراه ندارد. بسیاری از دختران و پسران وقتی که وارد اجتماع می شوند با اولین برخوردشان با مشکلات دیگر از زندگی دست بر می دارند در حالی که این گونه نیست و وظیفه والدین و مربیان است تا آنان را از واقعیات زندگی مطلع گردانند و با آنان بفهمانند که زندگی دارای سختی و مشکلات است و آنان را برای آنان تشریح نمایند (همان، ۱۳۶۶: ۲۵). خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری خطاب به پدر ان و مادران می نویسد کودکان را از همان آغاز به کار و فعالیت واداد کنند تا با سردی و گرمی زندگی آشنا شده و از مشکلات نهراسیده و آماده زندگی اجتماعی گردند. بدون تردید زندگی اجتماعی دارای فوت و فن خاصی است. هرکسی نمی تواند در روابط با دیگران موفق باشد مگر آنکه به خصوصیات زندگی اجتماعی آشنا باشد. برخی از افراد تحصیل کرده وقتی از مرحله تحصیل گذشته به زندگی اجتماعی قدم می گذارند بر اساس عدم آمادگی های قبلی دچار دلسردی و آزدگی از اجتماع می شوند. پدران و مادران باید با توجه به آینده کودکان خود و فعالیت های اجتماعی باید از ضرر و زیان های جزئی صرف نظر کرده با سپردن مسئولیت به آنان و ارائه راهنمایی های لازم استعداد مسئولیت پذیری را در آنان پرورش دهند. نکته ظریف آنکه وقتی که ما در محیط خانه به کودکان اجازه می دهیم که مستقلاً بتوانند کارهایی را انجام دهند علاوه بر این که در زندگی اجتماعی افرادی موفق خواهند شد در زندگی اجتماعی به دیگران فرصت خواهند داد تا شایستگی های خود را بروز دهند. زیرا کودکان آنچه را که در محیط خانه فرا می گیرند به اجتماع بروز خواهند داد.

فواید تربیت اجتماعی

انسان ها ذاتاً موجودات اجتماعی بوده و میل به اجتماعی زیستن در فطرت آدمی جای نهاده است «کودکان مانند آب نهر هایی باریک همیشه نمیتوانند مستقل و جداگانه باقی بمانند و ناگزیر روزی باید به دریا ی اجتماع وارد گردند » (همان، ۱۳۶۶: ۱۳۱). بنابراین نیاز است که کودکان برای ورود به اجتماع و مقاومت در برابر امواج خروشان اجتماع به نیرومندی و تجهیزات روحی مجهز شوند و توانایی سازش با محیط اجتماعی نیازمند یک سری توانایی ها و خصوصیات اخلاقی است که پایه و اساس آن باید در مدرسه و خانواده بنا نهاده شود. اصولاً کودکان و حتی نوجوانان تا وقتی در خانه ی پدر و مادر زندگی می کنند، مصداق کامل مثال تا مفت خورم چرا کارکنم مزدوری هستند آنها به هیچ عنوان از اجتماع و فراز و نشیب های آن اطلاع ندارند و در خواب خوش مستی به سر می برند و آن روزی که ناچاراً باید پا به دریای اجتماع بگذارند میبینیم که با کوچکترین مشکل در زندگی از کوره در می روند و از خود و زندگی بیزار می شوند پس این وظیفه ی معلم است که واقعیت را آنچنان که هست به کودکان آموزش دهند و به آنها بفهماند که زندگی دارای فراز و نشیب هایی است که گاهی تلخ و گاهی هم شیرین است. و به طور کلی باید کودکان را برای اجتماع و اجتماعی زیستن آماده کند.

نقش معلم در تربیت اجتماعی

آموزش و پرورش به منزله یک نهاد تربیتی فراگیر، که گستره ی سنی پیش دبستانی تا پیش دانشگاهی را در برمی گیرد، نقش تعیین کننده ای در اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان دارد. بهترین فرصت ها و مهمترین دوره های رشد و تحول آدمی در همین دوران آموزشگاهی است. بنابراین باید به تناسب هریک از دوره های تحصیلی و با عنایت به ویژگی های جسمی، روانی و عاطفی دانش آموزان برنامه های تربیتی خاص برای اجتماعی کردن آنان ترتیب داد. برای استنباط و یافتن روش های درست و مناسب برای تربیت اجتماعی کودک، قابلیت بهره گیری از منابع مختلفی وجود دارد، که به تحقیق می توان گفت منابع اسلامی در زمره بهترین انتخاب ها قرار دارد. زیرا به اعتقاد ما این منابع از سرچشمه لایزال وحی نشأت گرفته و بدون تردید در آموزه های آن به جنبه ها و ضرورت نیازهای زندگی انسان پرداخته شده است. از سوی دیگر بزرگان اسلام بیشتر از بسیاری از متفکران و اندیشمندان با نگاهی ظریف، دقیق و عمیق کودک و اهمیت دوران کودکی را مورد توجه خویش قرار داده اند. به عنوان مثال، رسول اکرم (ص) می فرمایند: رحمت خداوند بر پدری که در راه نیکی و نیکوکاری به فرزند خود کمک کند و چون کودکی، رفیق دوران کودکی وی باشد، و او را عالم و مؤدب بار آورد (فلسفی، ۱۳۶۸). ایشان در جای دیگر می فرمایند: خدای رحمت کند کسی را که، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهد (همان).

هدف تحقیق

صرف نظر از این که مسئله تربیت و تعلیم و بویژه تربیت اجتماعی، مسئله ای سرنوشت ساز در زندگی انسان ها است که از اوایل طفولیت آغاز می شود و همچنین با توجه به حساسیت این دوران، معلمان و صاحبان امر تعلیم و تربیت باید باروش هایی کودک را در جهت اجتماعی کردن سوق بدهند تا به این طریق رسالت خویش را به حد کمال برسانند. از جمله منابعی که می توان این روش ها را از آن دریافت قرآن و سیره پیامبر و معصومان است که با توجه به اهمیتی که این موضوع دارد به آن پرداخته اند. بررسی روش های تربیتی (الگویی، تشویق و تنبیه) معلم بر تربیت اجتماعی کودک از منظر تعلیم اسلامی بر این اساس هدف این پژوهش است. لذا بر آن شدیم که در این پژوهش تربیت اجتماعی را که اهم تر از روش های دیگر است، قدری در آن ها به تأمل بیندیشیم.

پیشینه تحقیق

هرچند کتاب ها و مقالات زیادی در این زمینه موضوع تحقیق نگاشته شده اما اثری که بطور خاص به این زمینه پرداخته باشد یافت نشد، پیرامون این باید گفت که پژوهشگران دیگری برخی ابعاد موضوع مورد بحث را از منظرهایی متفاوت بررسی نموده اند . از جمله: اردکانی (۱۳۸۴) در پایان نامه خود با عنوان «تبیین اصول و روش های تربیت اجتماعی» روش های الگوسازی، پیشگیری و تشویق را مدنظر قرار داده است. امید بیگی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان « تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)» به روش الگویی پرداخته است . معتمدی برآبادی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان « بررسی و شناخت نظام تربیت اجتماعی درقرآن» روش الگوسازی را اشاره کرده است. حسنی (۱۳۸۷) درمقاله ای با عنوان «روش های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغ» به روش های الگو پردازی و کنترل در تربیت انسان پرداخته اند . رضانی و حیدری (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «روشهای تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه» به روشهای الگو گیری، عبرت آموزی، تشویق، تنبیه و پیشگیری و کنترل را مد نظر قرار داده است . هر یک از محققان پیرامون روش های تربیتی تحقیقاتی را داشته اند ولی ما بطور کامل به بررسی و تکمیل هر یک از روش ها پرداخته ایم .

روش پژوهش

پس از کاوش در منابع دسته اول اطلاعات بدست آمده با روش های توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت ، این منجر به پاسخ به سوال تحقیق یعنی که چه روش هایی را برای تربیت اجتماعی کودک از دریچه تعالیم اسلامی استنباط کرد، شد. گستره و پهنای مطالعاتی تحقیق نیز شامل کلیه مدارک اسناد، کتابنامه های پژوهشی موجود (اعم از کتاب ها ، مقالات ، پایان نامه های آموزشی و...) در زمینه موضوع پژوهش است ، همچنین اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه ای و در پایان به شکل فیش برداری گردآوری شده است .

مبانی نظری

الف) روش الگویی

الگو در لغت به معنای نمونه آمده است (عمید، ۱۳۵۹) . یکی از روش های تربیتی روش الگویی است که از آن با عناوین الگوسازی ، اسوه سازی ، ارایه اسوه ها ، قدوه ها ، اسوه پذیری ، و الگوگیری یاد می شود (ملکوتی فر، ۱۳۸۸) . اسوه و الگوگیری در تعلیم و تربیت اسلامی اهمیت خاصی دارد . در این روش هدف این است که فرد در گفتار و رفتار، رفتار و کردار و گفتاری مطلوب خود قرار دهد و بدین گونه، موقعیت شاگرد بر اثر این الگوگیری تغییر یابد و حالت نیکو و مناسبی مطابق آن عمل و گفتار مطلوب و نمونه، در خویش و در رفتار فردی و اجتماعی او پدید آید . نکته ای که باید به آن توجه کرد، اقتدا و اتباع نیکوست؛ یعنی فرد با آگاهی و شناخت از یک الگوی نیکو تبعیت و پیروی نماید؛ پیروی و الگوگیری کورکورانه در اسلام مذمت شده است . قرآن درباره ی الگو ی نیک چنین می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً» (احزاب، ۲۱) . انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است ، الگو طلب و الگو پذیر است و بدین سبب یکی از بهترین و کوتاه ترین روش های تربیت ارائه نمونه و تربیت عملی است . در این روش نمونه ای عینی و قابل تقلید و پیروی در برابر مربی قرار می گیرد که در صورت مقبولیت ، مربی تلاش می کند در همه چیز خود را همانند الگوی مطلوب سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبیه نماید . این روش به دلیل عینی و محسوس بودنش و نیز به سبب میل و گرایش ذاتی انسان به الگو گیری ، روشی بسیار مؤثر و سریع در تربیت است ؛ و هر چه نمونه ارائه شده از کمال بیشتر و جاذبه فراگیرتری بهره مند تر باشد ، این روش از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود . پس بهترین الگو ،

نمونه ای تام و تمام و انسانی کامل است . امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می فرمایند : « و لقد كان في رسول الله (ص) كاف لك في اسوه ... فتأس بنبيك الأطيب الأطهر لمن تعزى و أحب العباد إلى الله المتأسي بنبيه و المقتص الأثره »؛ پیروی کردن از رفتار رسول خدا و الگو گیری از پیامبر برای شما کافی است ... بنابراین از پیامبر پاک و پاکیزه ات پیروی کنید، زیرا راه و رسمش سرمشقی است [نیکو] برای کسی که بخواهد تأسی جوید و انتسابی است [عالی] برای کسی که بخواهد منتسب گردد و محبوب ترین بنده گان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش الگو بگیرد و قدم در جای قدم او گذارد (نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۰) . علامه طباطبایی در تبیین آیه یادشده که مبین تأکید بر روش اسوه ای است، بیان می کند : « کلمه "ی اسوه " به معنای اقتدار و پیروی است و "فی رسول الله " یعنی در مورد رسول خدا و اسوه در مورد رسول خدا (ص) عبارت است از پیروی از او و این وظیفه همیشه ثابت است و همیشه به آن جناب تأسی کنید (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۵۱- ۴۵۲). در تفسیر المیزان درباره این آیه چنین آمده است، اینکه فرمود : « إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ ؛ تعلیلی است برای نهی، می خواهد بفرماید : اگر شما مسلمین را نهی کردیم از نشست و برخاست با افراد ایرادگیر، برای این بود که همنشینی موثر است و در اثر آن، شما نیز مانند آنان خواهید شد و به عاقبت آنها گرفتار می شوید (طباطبایی، ۱۳۶۰) . ابن سینا فیلسوف بزرگ اسلام، با توجه به روش الگویی و توجه به الگو برداری کودکان از یکدیگر، معتقد است آموزش باید به صورت گروهی باشد و دانش آموز با همسالان خود بویژه با دانش آموزانی که بزرگ زاده هستند و آداب نیک را می دانند و عادات پسندیده دارند، معاشرت کند. زیرا کودک از کودک فرا می گیرد و می کوشد از دیگران عقب نماند (پژوهشکده همکاری حوزه و دانشگاه ، ۱۳۸۱) . در هر خانواده ای پدر و مادر سعی می کنند فرزندان خود را به درست ترین راه ممکن راهنمایی و هدایت کنند و در این میان فرقی نمی کند که خانواده ای باسواد باشد یا بی سواد از لحاظ فرهنگی فقیر باشد یا غنی در هر حال کوشیده اند که فرزندان خود را به سعادت و خوشبختی راهنمایی کنند . گاهی نیز وجود دارد که افرادی که بارها و بارها شکست خورده اند و حتی عمر خود را در فساد و تاریکی گذرانده اند نیز افراد را پند و موعظه می دهند . و حتی افراد را هدایت می کنند . بنابراین بازار پند و موعظه و راهنمایی و ارشاد بسیار فراخ است . اما نکته ی قابل توجه این است که بسیاری از افراد و خانواده ها در این امر توفیق چندانی کسب نمی کنند . و گاهی خانواده ها در امر تعلیم و تربیت و ارشاد و راهنمایی فرزندان خود با شکست مواجه می شوند . اما سؤال اینجاست که چرا با اینه تلاش و راهنمایی های دلسوزانه خانواده ها هدایت آنها محکوم به شکست است . خداوند در قرآن می فرماید « وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا » یعنی هنگامی که می خواهید به منازل خود وارد شوید از دربهای آن وارد شوید . این آیه بیانگر این نکته است که هر کاری شیوه و راه و روش خاص خود را دارد و علت اینکه بسیاری از خانواده ها در این امر هدایت فرزندان خود با شکست مواجه می شوند این است که راه و روش آن را نمی دانند . و صرف علاقه و شوق به هدایت کافی نیست و خانواده ها و مربیان باید از شیوه های تربیتی و حتی شیوه های نوین تربیتی آشنایی کافی داشته باشند و آنرا در امر تربیت افراد کار گیرند . چرا که هر کاری بدون آگاهی از شیوه و راه و روش آن کار محکوم به زوال است . از جمله عواملی که باعث می شود امر هدایت و تعلیم و تربیت خانواده ها در رابطه با فرزندانشان به بن بست برسد این است که در بیشتر موارد خانواده ها در شیوه ی زبانی برای امر هدایت استفاده می کنند که این خود یکی از دلایل عدم توفیق خانواده ها است . آنرا نفی مینمایند زیرا در این روش تربیتی علاوه بر عدم توفیق اساساً مشکلات و دشواری های فراوانی وجود دارد که برخی از آنها به طور خلاصه اشاره می شود : ۱ . در روش تربیت زبانی ، شخصیت متربی نادیده گرفته شده و متربی احساس حقارت و کوچکی خواهد کرد . که این خود مهمترین عامل نقص از جانب پدر و مادر است که هنگام هدایت فرزندان خویش در ضمن

راهنمایی و ارشاد ، فرزندان خود را مورد توبیخ و ملامت قرار می دهند . و بدیهی است که افراد در مقابل توبیخ و ملامت بجای قبول دگرگونی و پذیرش اصول تربیت بر عکس بدتر شده و بر میزان انحرافات و لجاجت افزوده می شود . زیرا لازمه طبیعی ملامت و سرزنش ، گستردگی و عصیان است ۲ . در مورد راهنمایی های زبانی اشکال دیگری که وجود دارد این است که شخصیت متربی از بین می رود (رشید پور، ۱۳۷۳ : ۵۴) و این نوع روش تربیتی یکی از بدترین نوع ضرر و زیان برای فرد است و عمق این ویرانگری شخصیت زمانی است که فرد در میان جمع باشد یعنی اگر معلمی کودکی را در میان جمع مورد سرزنش و به اصلاح هدیت زبانی قرار داد و موجب سرافکندگی کودک در بین همسالان شد . در حقیقت معلم به جای تربیت موجبات نابودی کامل شخصیت و آبروی فرد را فراهم کرده است که دیگر قابل بازسازی نیست . حال راهکار و راه های مقابله با این گونه روش چیست. یکی از روش های تربیت که بسیار مورد تأیید بزرگان دینی و حتی مکاتب الهی قرار گرفته است روش الگویی یا الگوگیری است . « امام جعفر صادق (ع) می فرماید : انسانها را با رفتار و کردار خود به نیکی ها هدایت و دعوت نمایند. آنچه از این کلام زیبا برمی آید این است که در بعد تربیت مربی باید به طور غیر مستقیم به تربیت و ارشاد فرد بپردازد نه بطور مستقیم و به بیانی دیگر « مربی به طور مستقیم به کار تربیتی نمی پردازد و کار تربیتی را به طور غیر مستقیم انجام می دهد (همان، ۱۳۷۳ : ۵۵) . نتیجه این کار این است که دیگر شخصیت متربی دگرگون نمی شود یا از بین نمی رود چرا که در این روش دیگر مربی ، متربی را مورد سرزنش و ارشاد مستقیم قرار نمی دهد و با او کاری ندارد بلکه این متربی است که خود را به مربی نزدیک می سازد و مربی در این روش به طور غیر مستقیم به تربیت متربی می پردازد . از عمده فواید این روش این است که برخلاف روش تربیت زبانی مسائل تربیتی از حالت تحمیلی و القایی در آمده و فرزند و شاگرد ، خود بطور فطری برای دستیابی به کمال به سمت مربی حرکت می کند و علت این حرکت از جایی نشأت می گیرد که در رابطه ای که بین مربی و متربی صورت می گیرد و متربی با رفتار های کمالی مربی برخورد می کند و شیفته و مجذوب آن می شود و در نتیجه از آن رفتار پیروی می کند . بنابراین مربی یا پدران و مادران، خود باید دارای کمالاتی باشند که بتوانند آن را از طریق رفتار خود انتقال دهند . دانشمندان می گویند : فاقد شی نمی تواند معطی شی باشد . یعنی کسی که چیزی نداشته باشد نمی تواند چیزی را به دیگران انتقال دهد . به عبارت دیگر چراغی که خود روشن نباشد نمی تواند روشنی بخش باشد (همان، ۱۳۷۳ : ۵۶) . امروزه بسیاری از دانشمندان تربیتی برای دوران کودکی اهمیت بسیاری قائل هستند و کودک را یک انسان تلقی می کنند و اعتقاد دارند که شخصیت آینده کودکان در ارتباط با محیط تربیتی شاد و نحوه ارتباط با پدر و مادرشان و نحوه های تعلیم و تربیت شان در دوره کودکی شکل می گیرد . بنابراین استفاده از روش های نوین تربیت را در دوره کودکی بسیار حائز اهمیت می دانند و با توجه به این که در دوران کودکی تمام حواس کودکان به تقلید کردن است ، اندیشمندان دینی و تربیت بر روش الگویی در این دوران تأکید فراوانی دارند . در اسلام و روایات نیز بطور عمده به این مسئله اشاره شده است که کودک بعد از تولد آمادگی و استعداد فطری و ذاتی برای یادگیری و تربیت دارد و پدر و مادر اولین سرمشق و مدل برای شکل گیری کودک هستند (همان ، ۱۳۷۳ : ۱۰۶) . بدین سان اگر مدل و سرمشق یعنی والدین دارای رفتار مناسبی باشند ، رفتار کودک نیز درست شکل می گیرد . و دین اسلام نیز به وفور به این نکته توجه دارد . امام کاظم (ع) می فرماید: «یحفظ الاطفال بصلاح ابائهم ؛ یعنی رفتار کودکان در اثر خوبی های رفتار والدین آنها حفظ و نگهداری می شود ، و اما معلم نیز یکی دیگر از اسوه ها و سرمشق برای شاگردان است . یک معلم زمانی می تواند بهترین الگو باشد و در روش تربیت الگوگیری موفق شود که به تصحیح و تکمیل رفتار خود بپردازد تا نمونه ی یک الگو و اسوه کامل برای شاگردان خود باشد . که معمولاً تمامی حرکات و سکنات خود را از مربی نمونه برداری می کنند . به همین جهت هنگامی که از امام باقر درباره آیه ۲۴ سوره عیسی که می

فرماید : « فلینظر الانسان إلى طعامه » سؤال می شود حضرت فرمود : علم را فرا می گیرد بنگر از چه کسی فرا می گیرد . شهید ثانی در کتاب منیه المرید برای معلم خوب وظایفی را بر می شمارد که انجام این وظایف معلم را سرمشق خوبی می سازد : ۱. تلاش برای تکمیل نفس و تصحیح رفتار خویش ۲. صلاحیت و شایستگی برای تدریس ۳. بکار گرفتن علم ۴. حسن نقل و فروتنی ۵. عفت نفس و علو همت ۶. تأدب به موازین اخلاقی ۷. شهادت در اظهار حق که این عوامل می تواند معلم را به یک سرمشق خوب برای متریان تبدیل کند . که برای تربیت اجتماعی کودک نیز اثر گذار باشد . معلم می تواند بطور غیر مستقیم و با روش های رفتاری خود کودک را برای اجتماع تربیت کند یعنی با استفاده از روش الگویی موجب اجتماعی شدن کودک شود به طوری که کودک یا مربی با دیدن مربی خود بفهمد که چگونه در اجتماع یا یک محیط اجتماعی لباس بیوشد ، صحبت کند ، راه برود ، و مواردی از این قبیل که البته این مسیر باید از خانواده شروع شود و در مدرسه و توسط مربی به کمال خود برسد.

الگو در قرآن کریم

در قرآن کریم برای تربیت عملی انسان در وجوه مختلف الگو معرفی شده است . پیام آوران الهی نمونه هایی نیکویند تا راه و رسمشان آموخته و عمل شود . اقبال در کلیات خود صفحه ۱۵ آن را این گونه بیان می کند :

چشم نوحی قلب ایوبی طلب

عاشقی آموز و محبوبی طلب

بوسه زن بر آستان کاملی

کیمیا پیدا کن از مشت گلی

راه و رسم پیامبر اکرم (ص) راه و رسمی کامل است که مسلمانان می توانند کلیه اعمال و رفتار خود را با آن بسنجند و در پی آن حضرت روند تا سعادت هر دو جهان را بدست آورند . روش الگویی بهترین وسیله برای انگیزه بخشیدن ، جهت دادن و راه بردن متریان است . قرآن کریم سیرت حضرت ابراهیم (ع) و پیروان او را سیرتی نمونه برای بیزاری و دوری جستن از کفر و باطل و ارادت و نزدیکی جستن به ایمان و حق معرفی می کند . « قد کان لکم أسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه إذ قالوا لقومهم أنا برءا منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینک العداوة و البغضاء أبدا حتی تؤمنوا بالله وحده » ؛ همانا ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما اسوه ای نیکویند هنگامی که به قومشان گفتند : ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم ، به [آیین و پرستیده] شما کافر و ناباوریم ، و میان ما و شما برای همیشه دشمنی و کین پدید آمده است تا به خدای یگانه ایمان آورید . (ممتحنه ، آیه ۴) . ارائه این نمونه ها و توصیف نمونه های بسیار در قرآن کریم نشانه اهمیتی است که در این کتاب جامع الهی بر روش الگویی در تربیت شده است که بواقع این روش از جمله مفید ترین روشهای تربیت است .

نقش الگو در تربیت

تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با روش الگویی شکل می گیرد . کودک در چند سال اول نخست زندگی خود ، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر، الگو برداری می کند و با تقلید از آنان رشد می کند و ساختار تربیتیش سازمان می یابد . از این رو روش الگویی در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک بشدت نقش دارد تلقی کودکان از والدین در سالهای نخست کودکی به نقش الگویی آنان در جهت مثبت یا منفی دامن می زند ، زیرا کودکان در این ایام همه چیز خود را از

والدین و وابسته به ایشان می دانند ، چنانچه در حدیثی از امام کاظم (ع) است : «برو اولادکم و أحسنوا إلیهم فإنهم یظنون أنکم ترزقونهم»؛ به فرزندان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید زیرا آنان گمان می کنند که شما ایشان را روزی می دهید (مجلسی ، ۱۳۵۳: ۷۷) .

مزایای روش الگویی

- ۱- اثر تقلید در تعلیم و تربیت به مراتب بیشتر از پند و اندرز دادن است ، زیرا خود به خود انجام می گیرد و نیازی به تذکر ندارد.
- ۲- راه رسیدن به موفقیت را آسان می سازد ، زیرا فرد با پیروی از الگو در می یابد که رسیدن به هدف ، همچنان که برای الگومیسر شده است برای او نیز ممکن خواهد شد .
- ۳- بازگرداندن ویژگی ها را به همراه دارد ، زیرا والدین و دیگر الگوها با رفتار مثبت خود می توانند ویژگی هایی مانند صداقت ، وفای به عهد ، حق جویی و ... را در کودک زنده کرده یا با رفتارهای نادرست خود ، آنها را از میان ببرد .
- ۴- کاربرد روش الگویی برای سنین پیش از دبستان کارساز تر است . انسان در تمام عمر کم و بیش از دیگران تقلید می کند امادر سنین بین ۱ تا ۵ سالگی بیشتر از غریزه برخوردار است که اگر در سنین بالاتر با معرفت و آگاهی همراه شود ، الگو پذیری به صورت انتخابی خواهد بود .
- ۵- آموزش را سرعت می بخشد . آموزش سریع مسائل و انتقال مفاهیم از طریق معرفی مصداق ها راه طولانی آموزش را کوتاه و قابل فهم می نماید .
- ۶- پایدارترین و در عین حال خوشایند ترین یادگیری ها ، یادگیری غیر مستقیم یا مشاهده ای است . در این نوع یادگیری ، یادگیرنده مطابق تمایلات و انگیزه های خود ، آگاهانه و بدون هر گونه جبر و فشار روانی ، همه حواس خود را متوجه رفتار مورد نظر می کند و با نوعی احساس خوشایندی و به دور از دشوار، بر دانسته ها و تجارب خویش می افزاید . اگر اولیا و مربیان بتوانند بسیاری از رفتارهای مطلوب را به طور غیر مستقیم و یا ضمنی ، از طریق بهره گیری از وجود الگو های رفتاری ، در کودکان و نوجوانان پدید آورند ، بسیار ارزشمند و مؤثر خواهد بود .
- ۷- در یادگیری ضمنی یا مشاهده ای به جهت آنکه یادگیرنده آگاهانه و داوطلبانه به موضوع یا رفتار خاصی دقت می کند ، از نگرش مثبت و انگیزه قوی و غنی برخوردار است ، کمتر دچار فشار ذهنی و خستگی شده و از دامنه توجه گسترده تری بهره می برد ؛ در حالی که در آموزش های مستقیم همیشه چنین نیست و ممکن است یادگیرنده یا دانش آموز نسبت به موضوع یادگیری ، رغبت و انگیزه ای از خود نشان ندهد و زودتر خسته شود(افروز، ۱۳۷۱، به نقل از رضانی و حیدری).

ب) روش تشویق

« تشویق» در لغت به معنای به شوق آوردن و راغب ساختن است (عمید ، ۱۳۵۹) . تشویق در لغت به معنای آرزو مند کردن ، به شوق افکندن و یا راغب ساختن است . تاریخ به کارگیری تشویق به عنوان انگیزه شاید به قدمت تاریخ تعلیم و تربیت باشد . زیرا هر جا صحبت از آموزش و یادگیری است، مسئله تشویق به نحوی مطرح است . و به اعتقاد بسیاری از روان شناسان و اندیشمندان علوم تربیتی ، تشویق و پاداش از مهمترین انگیزه ها در پیشبرد و موفقیت کار تربیتی است . تشویق برای حمایت از کار خوب کودک و جهت تأکید بر اعمال درست متربی است . ما از تشویق استفاده می کنیم تا رفتاری را که مطلوب

است افزایش دهیم و آن را تقویت کنیم . روش « تشویق و تنبیه » راهی مناسب در برانگیختن انسان به سوی خیر و صلاح و بازداشتن آدمی از شر و فساد است و چنانچه این روش بدرستی و بر اساس آداب آن به کار گرفته شود ، نقشی مؤثر در تربیت و سازندگی انسانها دارد خدای متعال به صورت های مختلف بندگان را تشویق می کند و تنبه می دهد و راه تربیت و هدایت را برآنان می گشاید ، چنان که شأن همه پیام آوران الهی بشارت و انذار است ؛ و آنان که هدایت را می پذیرند ، تشویق می شوند و آنان که به هدایت پشت می کنند تنبه می شوند . « و ما نرسل المرسلین إلا مبشرين و منذرين فمن آمن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون و الذین کذبوا بآیاتنا یمسهم العذاب بما کانوا یفسقون » ؛ و ما پیامبران [خود] را جز بشارتگر و هشدار دهنده نمی فرستیم ، پس کسانی که ایمان آوردند و کار نیک و شایسته کنند نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند ؛ و به کسانی که آیات ما را دروغ شمردند ، به سزای نا فرمانی و بد کاریشان عذاب خواهد رسید (انعام ، آیه ۸-۹) . امیر مؤمنان علی (ع) درباره پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی می فرماید : « إن الله سبحانه وضع الثواب علی طاعته ، و العقاب علی معصيته ذیادة لعباده عن نعمة و حیاسة لهم إلى جنة » ؛ خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد . (نهج البلاغه ، حکمت ۳۶۸) . برای سیر دادن آدمیان به سوی اهداف تربیت باید میان نیکان و بدان و شایستگان و ناشایستگان فرق گذاشت و با هر یک به تناسب مرتبه وجودی اش رفتار کرد تا نیکان و شایستگان در نیکی ها و کمالات خود استوار شوند و به سوی کمالات و شایستگی ها بالاتر روند و بدان و ناشایستگان از بدی ها جدا شوند و از ناشایستگیها دور گردند . قاموس هستی بر چنین حقیقتی استوار است و هدف آفرینش هستی این است که هر کس به کمال شایسته خود برسد . « و لله ما فی السماوات و ما فی الأرض لیجزی الذین أسأؤوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى » ؛ و هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن خداست ، تا کسانی را که بد کرده اند ، به [سزای] آنچه انجام داده اند کیفر دهد ، و آنان را که نیکی کرده اند ، به نیکی پاداش دهد (نجم ، آیه ۳۱) . آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه آورده است :

« بشارت و انذار یا تشویق و تهدید ، بخش مهمی از انگیزه های تربیتی و حرکت های اجتماعی را تشکیل می دهد ، آدمی هم باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود ، و هم در برابر کار بد کیفر ببیند ، تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام نگذاشتن در مسیر دوم پیدا کند . آنها که تصور می کنند تنها تشویق برای تربیت انسان (اعم از کودکان و بزرگسالان) کافی است ، و باید تنبیه و تهدید و کیفر را به کلی شست و کنار گذاشت ، سخت در اشتباهند ، همان گونه افرادی که پایه تربیت را تنها بر ترس و تهدید می گذارند و از جنبه های تشویقی غافلند نیز گمراه و بی خبرند . این دو گروه درباره شناخت انسان در اشتباه هستند ، زیرا توجه ندارند که انسان مجموعه ای است از بیم و امید ، از حب ذات و علاقه به حیات ، نفرت از فنا و نیستی ، ترکیبی است از جلب منفعت و دفع ضرر ، آیا انسانی که ابعاد روح او را این دو تشکیل می دهد ممکن است پایه تربیتش تنها روی یک قسمت باشد (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴) . امام علی (ع) درباره ضرورت تشویق می فرماید : «آنان را با نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده اند برشمار ؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان ، دلیریشان را (به کوشش و حرکت بیشتر) برانگیزاند و کار مانده را به خواست خدا (به کار و تلاش) ترغیب نماید (نهج البلاغه ، نامه ۵۳)

هیچ چیز مانند تشویق صحیح و بجا و به اندازه مردمان را به تلاش و درستکاری بر نمی انگیزد. زیرا انسان به فطرتش که عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص است، میل به کمالات و نیکویی و تشویق و قدردانی دارد؛ و همان طور که فطرت اصلی آدمی عشق به کمال مطلق است و فطرت تبعی او انزجار از نقص، تشویق و قدردانی، اصلی، و تنبیه و مجازات، تبعی است؛ و فقط آن هنگام مجاز است که چاره ای جز آن برای بیداری و اصلاح و مداوا نباشد. هر انسانی به فطرت خود به کاملتر شدن است و تشویق آدمی در این جهت و قدردانی از آنچه در این راه به دست آورده است، او را بیشتر بر می انگیزد موجب کاهش انگیزه و دلسردی اش می گردد. امیر مؤمنان علی (ع) در این باره به «مالک اشتر» چنین سفارش کرده است: «و واصل فی حسن الثناء علیهم، و تعدید ما أبلی ذوو البلاء منهم؛ فإن كثرة الذكر لحسن أفعالهم تهز الشجاع، و تحرض الناکل، إن شاء الله»؛ آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی که انجام داده اند برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را [به کوشش و حرکت بیشتر] بر انگیزاند و کار مانده را به خواست خدا [به کار و تلاش] ترغیب نماید (نهج البلاغه، نامه ۵۳). خدای سبحان چنان بر تشویق و تقدیر تأکید دارد که در آیه گرفتن زکات می فرماید: «خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم و صل علیهم إن صلاتک سکن لهم و الله سمیع علیم»؛ از اموال آنان صدقه [زکات] بگیر تا به واسطه آن پاک و پاکیزه شان سازی و آنان را برکت و فزونی بخشی [اموال یا حسناتشان را نشو و نما دهی] و ایشان را دعا کن که دعای تو آرامشی است برای آنان، و خدا شنوا و داناست. (توبه، آیه ۱۰۳). تشویق و قدردانی موجب می شود که انسان در انجام دادن وظایف خود بیش از پیش کوشا شود و میل به کمال در او فزونی گیرد.

نقش تشویق بر یادگیری

همانگونه که گفته شد تشویق محرکی است که برای تقویت یک رفتار مطلوب از طرف کودک به او داده می شود تا از این طریق تکرار آن رفتار را افزایش دهیم. هر انسانی بنا به اصل فطرت دارای غریزه حب ذات است و چه خوب است که بجای تنبیه بیشتر به این قسمت از فطرت آدمی توجه شود و آنان را با تشویق و دلگرمی به آینده درخشان، آنان را به انجام اموری وادار کرد. چنان که وقتی امام حسن مجتبی می خواست فرزندان و برادر زادگان خود را به علم ترغیب کند، خطاب به آنها می گفت شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید می رود در آینده بزرگان اجتماع باشید. پس در کسب علم و دانش بکوشید امروزه آموزش و امر یاددهی از راه تشویق، بهترین و مؤثر ترین نوع آموزش در سطح جهان بین المللی است. مربیانی که با این روش کودکان را به امر یادگیری وادار کنند، کارشان موفقیت آمیز تر خواهد بود. چرا که خشونت و تندی می تواند فقط برای مدتی محدود کودکان را به انجام وظیفه وادار کند و نمی تواند یادگیری مطلوب یا انجام کارهای نیک را در آنها نهادینه کند و همچنین می تواند از این طریق فرآیند کاوشگری و خلاقیت و بسیاری دیگر از فرآیند های یادگیری را در دانش آموزان خود تقویت کند. همچنین اگر تشویق بجا و مناسب باشد می تواند حس عزت نفس و اعتماد به نفس را در دانش آموزان افزایش دهد که این خود می تواند در فرآیند یادگیری نقش مهم و بسزایی داشته باشد.

چگونه باید تشویق کرد

۱. تشویق کردن نباید به طور مداوم باشد چرا که برای کودک تکراری شده و کودک را به چانه زنی و می دارد.

۲. نباید برای هرکاری چه ساده یا چه سخت کودک را تشویق کرد و بلکه کودک را بخاطر کاری ممتاز و متعال تشویق کرد.

۳. کار تشویق باید بگونه ای باشد که دانش آموز حس کند که بر این تشویق حق او بوده نه این که برای دل خوشی به او داده شود.

۴. در زمینه تشویق کردن باید به تفاوت های فردی بین دانش آموز توجه شود.

۵- تشویق نباید بی جا و بیش از حد باشد، چرا که اینگونه تشویق مضراتی را در پی دارد که باعث می شود امر تشویق کردن نقص و دارای نتیجه ی معکوس شود. اجمالاً از معایب تشویق بی جا، کند شدن محرک های درونی و از بین رفتن رغبت های خود به خودی و همچنین وابستگی بیش از کودک به عوامل کنترل کننده ی بیرون از خود. همچنین تشویق بیش از حد کودک را به غرور و خود بینی مبتلا می سازد. امیر المومنین علی (ع) می فرماید: چه بسا افرادی که به سبب تعریف و تمجید مغرور می شوند، همچنان معلمان باید در امر تشویق کردن مواظب این نکته باشند که کودک از طریق عوامل تشویق بیرونی مانند: جایزه، کارت صد آفرین، تعریف های لفظی و غیره ... شرطی نشود چرا که سبب می شود آزادی و رشد طبیعی را از کودک سلب و رفتار های او را با توجه به معیار های از پیش تعیین شده قالب سازی کنند.

مزایای روش تشویق

- ۱- تشویق پاسخی است به نیاز طبیعی و روانی کودک.
- ۲- تشویق موجب تقویت روحی فرزندان می شود و نیروی تازه ای به آنان می بخشد تا بتوانند با اعتماد به نفس و پشت گرمی بیشتر، به کارهایی که از آنها خواسته می شود، بپردازند.
- ۳- تشویق موجب رشد استعداد های درونی کودکان می شود و به سوی شکوفایی سوق می دهد و زمینه های یأس و نا امید ی و بد بینی را در آنها از بین می برد. شخصی که تشویق می شود از کار و زحمت خود احساس رضایت می کند و همین رضایت خاطر است که جلو خستگی و بی میلی او را می گیرد.
- ۴- کودک در پرتو تشویق می آموزد که مشکلات و سختی ها را بر خود هموار سازد تا هدف مطلوب خود را دنبال کند و به تداوم فعالیت های رشد دهنده کودک می انجامد.
- ۵- تشویق کودکان توسط پدر و مادر و اطرافیان و مربیان باعث می شود که کودکان با نظری خوب و خوش بینانه به آنها بنگرند و آنها را دوست و همدم و یار صمیمی خود بدانند و این خود پیامدهای بسیاری دربردارد.
- ۶- گاه یک تشویق به جا و حکیمانه و ساده ممکن است مسیر زندگی کودکی را عوض کند و او را از بدی و انحرافات نجات بخشد (پری نوش، ۱۳۸۹، به نقل از رضائی و حیدری).

معایب تشویق بی جا و بیش از حد

- ۱- امام علی (ع) می فرمایند: «ستایش بی اندازه از شخص، تکبر را در او پدید می آورد» (غرر الحکم، ص ۸۳).
- ۲- موجب وابستگی کودک به عوامل کنترل بیرون از خود می شود.
- ۳- بدون دقت ممکن است برای کودک به صورت رشوه درآید و اعمال کودک به پاداش وابسته شود و کودک پرتوقع و طلبکار پرورش یابد و در همه جا انتظار پاداش عملی یا معنوی داشته باشد، از همه کس طلبکار شود، ولی خودش احساس مسئولیت نکند. گاهی حتی در برابر انجام وظایف قانونی یا اجتماعی یا شرعی خود نیز توقع پاداش خواهد داشت.

- ۴- بیش از حد در دراز مدت مانع پیشرفت خود به خودی می شود.
- ۵- تکیه بر تشویق بیرونی بدون همسویی با تقویت های درونی کودک ، مانع تحول طبیعی او می شود (شهبازی ، ۱۳۹۰ به نقل از رضانی و حیدری).

پ) روش تنبیه

«تنبیه» به معنای بیدار کردن ، آگاه کردن ، هشیار ساختن و ادب کردن است (عمید، ۱۳۵۹). در کتاب روان شناسی رشد و پرورش کودک آمده است: «تنبیه بدنی و تعیین جریمه و تکالیف شاق ، ریشه درد را خشک نمی کند؛ بلکه علائم درد را موقتاً تسکین می دهد؛ گاه نیز این معامله با کودک ، عقده معلم را تسکین می بخشد و در همه مواد علت ناسازگاری را وخیم تر می سازد». در دنیای امروز بهترین روش در آموزش و پرورش ، روش آزادی است . روش هایی که هدف آنها تربیت طفل از راه اعمال نفوذ است ، به کلی غلط و در دنیای متمدن ، نامقبول شناخته شده است . در کتاب روان شناسی کودک آمده : در اواخر قرن ۱۷ «جان لاک» در سال ۱۶۹۳ روش های تأدیبی را بر خلاف روش های طبیعی که آموزش و پرورش متداول بود ، پیشنهاد کرد. «لاک» گفت : به تمایلات طبیعی کودک نباید توجه داشت ، بلکه برای سعادت آینده او باید عادات لازم را با فشار و سر سختی در او ایجاد نمود، چنین روشی هنوز در بسیاری از جامعه ها از جمله ایران متداول است و تقریباً قرن بعد ، ژان ژاک روسو فرانسوی در کتاب امیل خود که در سال ۱۷۶۲ انتشار یافت بر عکس لاک روش آزادی را در تعلیم و تربیت کودک اظهار داشت و گفت : نباید هیچ نوع نفوذی در مورد تربیت طفل اعمال شود ، پس از روسو ، پستالوژی از اهالی سوئیس و هربارت و فربل از اهالی آلمان روش هایی پیشنهاد کردند. روسو در کتاب امیل می نویسد: اگر تنبیه به خصوص تنبیهای سخت را به منزله محرک بخواهند به کار برند مضرات دیگر از قبیل ترس و در هم شکستن شخصیت که بالمآل منجر به حالات عصبی و ناراحتی های عاطفی خواهد شد ، نیز در بر دارد (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۳۶-۱۴۰). با این که مسئله آموزش و پرورش به طور کامل مورد توجه اولیای بزرگ اسلام است ، با وجود این از تنبیه و خشونت نهی فرموده ، به مربیان مهر و محبت را سفارش کرده اند.

نقش تنبیه در تربیت

انسان پیوسته در معرض خطا و اشتباه است و نفس سرکش انسان که مهار نشده است انسان را به نافرمانی خدا می کشاند و او را به وادی فسق و فجور و انواع تباهی ها و گناهان می کشاند . « و ما أْبْرُ نفسی إِنْ النفسُ الأَمَارَةُ بالسوء » ؛ و من نفس خود را تبرئه نمی کنم ، زیرا که نفس [آدمی] بسی به بدی و گناه فرمان می دهد (یوسف ، آیه ۵۳) . تنبیه درست و طبق آداب ، روشی است مناسب برای بیدار کردن و هشیار ساختن و ادب کردن آدمی و جدا نمودن او از بدی و کجی ؛ و اگر در این کار اهمال شود درخت تباهی در وجود آدمی تناور گردد، قطع ریشه های آن بسیار دشوار و نا ممکن می شود و انسان را به هلاکت می رساند . از امیر مؤمنان (ع) در این باره چنین روایت شده است : « إِنْ هَذِهِ النَّفْسُ لِأَمَارَةٍ بِالسَّوِّءِ فَمِنْ أَهْلِهَا جَمَحَتْ بِهٖ إِلَى الْمَآْثِمِ » ؛ همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می دهد ، پس هر که آن را واگذارد او را به سوی گناهان می کشاند (دلشاد تهرانی ، ۱۳۷۷: ۳۳۸) . بنابر این تنبیه در شرایط خاص بهترین وسیله نجات آدمی از هلاکت و مایه حیات بخشی است ، چنانکه خدای متعال فرموده است : « و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ » ؛ ای خردمندان ، شما را در قصاص زندگانی است ، باشد که پروا کنید (بقره ،

آیه ۱۷۹). تنبیه و مجازات درست و طبق ضوابط نقشی در اصلاح فرد و جامعه دارد و علی رغم ظاهر آن از لطافت و جمالی شگفت آور برخوردار است و عین رحمت و محبت است و سبب پاکی و پاکیزگی فرد و جامعه می شود. البته این حقیقت را نباید از یاد برد که تنبیه و مجازات اصالت ندارد و آنچه اصل است رحمت و گذشت و صبر است و هیچ چیز همانند ملایمت و مدارا در تربیت آدمی تأثیر ندارد همان گونه که در روش تربیتی پیامبر اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت نیز چنین بوده است. مولانا در مثنوی معنوی، دفتر اول این گونه تعبیر می کند:

او به تیغ حلم چندین خلق را وا خرید از تیغ چندین خلق را

تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر بل ز صد لشکر ظفر انگیزتر

کسانی می توانند در راه تربیت گام نهند که بتوانند رحمت و محبت و گذشت را با برخشم و غضب چیره کنند و از سر لطف و بخشش دست به تنبیه و مجازات نگشایند. اهل بخشش و گذشت باشند.

مزایای روش تنبیه

تنبیه صرفاً به عنوان عامل باز دارنده از کارهای بد و وادار شدن به کارهای خوب است و هنگامی که راه های دیگر در تربیت پاسخ گو نباشد، بکار می آید.

معایب تنبیه بی جا و بیش از حد

در صورتی که تنبیه به جا و به اندازه نباشد باعث می شود که کودک؛

۱- کارها و واقعیت ها را از پدر و مادر پنهان کند.

۲- به دروغ گویی کشیده می شود.

۳- خشن، شرور و بدبین شود.

۴- دشمن پدر یا مادر شود و به انجام کارهای خطرناکی اقدام کند.

۵- کینه توز و انتقام جو شود.

۶- از خانه فرار کرده، به انواع آلودگی ها پناه برد. به ویژه، در مواردی که کتک بی جا یا زیاد و

غیر عادلانه باشد و کودک علت تنبیه بدنی را نداند، خیلی زود منحصر می شود و تحمل نمی کند (

رضانی و حیدری، ۱۳۹۱).

مشکل تربیت

از یک طرف، عذر متصدیان آموزش و پرورش این است که بدون توسل به تنبیه، کنترل اطفال ممکن نیست و نتیجه ترک تنبیه، پیدایش هرج و مرج در زندگی کودکان است؛ از این رو، می بینیم حتی جان لاک هم اعمال نفوذ را در تربیت روا می شمارد. بعضی از دانشمندان ما هم تنبیه و خشونت را لازم می دانستند، چنان که غزالی معتقد بود که معلم باید حتی الامکان با ترساندن طفل، او را تأدیب کند و چنانچه مؤثر نشد او را بزند، صاحب قابوسنامه معتقد است که: معلم باید با هیبت باشد و کودک را در صورت کاهلی، بزند تا وی بر خود کاملاً مسلط شود چنانچه معلم طفل را بزند، پدر نباید شفقت ورزد، جامی به فرزند خود می گفت:

دار ز ادب درس معلم نگاه

تا نشوی طبلک تعلیم گاه

سیلی او گرچه فضیلت ده ست

گرتو به سیلی نرسانی به ست

تقریباً کار به جایی رسیده بود که همه یا اکثر دانشمندان اعتراف داشتند که : جور استاد به ز مهر پدر . این روش تربیتی گاهی اثرش در جامعه و ملت هم آشکار می شود نتیجه همین روش تربیتی طوری زندگی مردم ایران باستان را یک نوع فرمانبرداری مطلق و یک قسم تسلیم و انقیاد صرف ، به وسیله پرورش و عادت ، در میان مردم ایران ، متمکن شده بود که تخلف از آن ، بخاطر هیچ کس نمی رسید . هرودت درباره آن می نویسد: «یکی از معایب آموزش و پرورش ایران ، تولید حس عبودیت و بندگی بی حد و حصر و اطاعت کورکورانه است که به نظر مردم امروز ، متباین با مردانگی و شئون انسانی است» . جرج راولین ، نویسنده انگلیسی می نویسد: «فرق آموزش و پرورش ایران باستان و یونان در این بود که در یونان به تناسب حکومت ، در آموزش و پرورش ، روش دموکراسی به کار برده می شد ؛ ولی در ایران باستان چنین نبود .»

نتیجه گیری

هدف از این پژوهش «استنباط روش های تربیتی (الگویی ، تشویق و تنبیه) معلم بر تربیت اجتماعی کودک از منظر آموزه های اسلامی بود . که با بررسی صورت گرفته در منابع موجود ، در مجموع سه روش برای تربیت اجتماعی کودک برشمرده و تبیین گردید که عبارتند از : روش الگویی ، روش تشویق و روش تنبیه . برای هر یک از روش های مذکور استناداتی از آموزه های اسلامی آورده شد تا تبیین درست و دقیق تری از روش ها صورت گیرد . در پایان ، با توجه به یافته ها پیرامون هر روش ، پیشنهاداتی کاربردی برای استفاده دست اندر کاران تعلیم و تربیت به منظور بهره گیری در بعد اجتماعی تربیت کودک ، مطرح شد: در رابطه با کاربرد روش الگویی ؛ مربیان و والدین باید بکوشند تا با عمل خود کودکان را به راه صحیح رهنمون شوند و خود با اعمالشان الگوی کودکان قرار گیرند . در مرحله بعد باید بر انتخاب الگوهای دیگر از جانب کودکان نظارت داشته باشند و ضمن معرفی الگوهای مناسب به کودکان ، آنها را از انتخاب الگوهای نامناسب بازدارند . در رابطه با کاربرد روش تشویق ؛ تشویق باید با کار کودک متناسب باشد و بهتر است پاداش همگام با موفقیت های تدریجی کودک بزرگ شود . تشویق ها باید در برابر فعالیت های کودک انجام بگیرد نه در برابر موهبت های ذاتی او . تشویق باید بلافاصله اعمال گردد . اگر تشویق بیش از حد انتظار طبیعی کودک و یا کمتر از حد انتظار او باشد اثر نامطلوبی دارد . یک نوع پاداش و تشویق ممکن است برای همه کودکان مناسب نباشد و باید تشویق ها و پاداش های مختلفی را مد نظر داشت . در رابطه با کاربرد روش تنبیه ؛ تنبیه زمانی به کار می آید که کودک نداند کاری که انجام می دهد اشتباه است . تنبیه باید بلافاصله و همراه با حذف سایر پاداش ها انجام گیرد و چگونگی بدست آوردن پاداش دوباره برای کودک روشن شود . در تنبیه استمرار یک اصل اساسی است ؛ باید رفتار های مطلوب دیگر کودک تقویت شود تا جایگزین رفتار تنبیهی گردد . در هنگام تنبیه باید والدین و مربیان تا آن جایی که ممکن است آرامش خود را حفظ کنند . در تربیت کودک نباید تنبیه به ویژه تنبیه بدنی به عنوان روش اصلی باشد . باید به حداقل تنبیه اکتفا و از تنبیهات خشن پرهیز کرد . همچنین اگر کودک قبل از تنبیه ، متنبه شد نباید او را تنبیه کرد ، زیرا هدف از تنبیه آگاهی و اصلاح کودک است .

پیشنهادهای

اگر شخصی که تحت تربیت است ، مرتکب کار زشتی شد چه از روی آن که دانسته یا ندانسته باشد . وظیفه مربی آن است که در درجه اول او را بصورت غیر مستقیم راهنمایی کند البته نباید او را مخاطب خود سازد و ایشان به دیگران عرضه کند و باید اشتباه و خطای آن را قبل از آنکه بصورت عادت در آید مانع شود . همچنین نباید به تنبه و خشونت متوسل شود که در چنین موردی باعث در هم کوبیدن شخصیت او می شود و هیچ گونه تأثیر تربیتی ندارد . آخرین اقدامی که توسط مربی انجام می گیرد توسل به تنبیه و خشونت است ، آن هم طوری باید اجرا شود که هدف فدای خشم و غضب پرورشکار نشده و زیر پا گذاشته نشود ، حداقل آن قهری زود گذر ، ملامتی عاقلانه و درنهایت حداکثر تنبیه است .

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آیینہ وند ، صادق ، ۱۳۵۹ ، ادبیات انقلاب در شیعه ، جلد ۱ ، تهران ، موسسه نشر فرهنگ اسلامی
- افروز ، غلامعلی ، ۱۳۷۱ ، روش های پرورش احساسات مذهبی (نماز) در کودکان و نوجوانان ، تهران ، دانشگاه علامه طباطبائی
- امید بیگی ، عزت خانم ، ۱۳۸۱ ، تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) ، تهران ، دانشگاه آزاد واحد مرکزی
- امینی ، عبدالحسین ، ۱۳۶۲ ، ترجمه الغدیر ، جلد دوم ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات چاپخانه حیدری
- بهشتی ، احمد ، ۱۳۸۷ ، تربیت کودک در جهان امروز ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی
- تمیمی الآمدی ، عبدالواحد ، ۱۳۶۶ ، تصنیف غررالاحکم ودرر الکلم (محمد علی انصاری قمی ، مترجم) ، قم ، دفتر تبلیغات
- حاجی ده آبادی ، محمد علی ، ۱۳۷۷ ، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام ، تهران ، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی
- حسینی ، محمد ابراهیم ، ۱۳۸۷ ، روش های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه ، مجله کوثر ، شماره ۷۵
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، ۱۳۸۱ ، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن ، جلد ۱ ، ۲ و ۳ ، تهران ، انتشارات زیتون
- دلشاد تهرانی ، مصطفی ، ۱۳۷۹ ، ماه مهر پرور ، تهران ، انتشارات خانه اندیشه جوان
- _____ ، ۱۳۷۷ ، سیری در تربیت اسلامی ، چاپ سوم ، تهران ، موسسه نشر و تحقیقات ذکر
- رشید پور ، مجید ، ۱۳۶۶ ، رشد اجتماعی از نظر اسلام ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- رمضانی ، فاطمه ، حیدری ، مسعود ، ۱۳۹۱ ، روش های تربیت اجتماعی بر اساس قرآن و نهج البلاغه ، پژوهش در برنامه ریزی درسی ، سال نهم ، شماره شش ، دوره دوم ، تهران
- شکوهی ، غلام حسین ، ۱۳۶۸ ، تعلیم و تربیت و مراحل آن ، چاپ هفتم ، مشهد ، انتشارات آستان قدس رضوی
- سیف ، علی اکبر ، ۱۳۹۲ ، روان شناسی پرورشی نوین ، تهران ، نشر دوران
- طباطبائی ، محمد حسین ، ۱۳۶۰ ، روابط اجتماعی در اسلام ، (حجتی کرمانی ، مترجم) ، تهران ، انتشارات بعثت
- _____ ، ۱۳۶۳ ، تفسیر المیزان ، (محمد تقی مصباح یزدی ، مترجم) ، جلد ۳ ، قم ، انتشارات دارالعلم
- عمید ، حسن ، ۱۳۵۹ ، فرهنگ و لغت فارسی ، تهران ، چاپخانه سپهر
- فلسفی ، محمد تقی ، ۱۳۶۸ ، الحدیث ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- مجلسی ، محمد باقر ، ۱۳۵۳ ، بحارالانوار ، تهران ، انتشارات علمیه اسلامیة
- مرزقی ، اناری نژاد ، ۱۳۸۶ ، تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه ، سال دوم ، شماره ۴ ، موسسه تربیت اسلامی
- معتمدی ، برآبادی حوا ، ۱۳۸۵ ، بررسی و شناخت نظام تربیت اجتماعی در قرآن ، تهران ، دانشگاه علامه طباطبائی
- مفیدی ، فرخنده ، ۱۳۷۲ ، آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی ، تهران ، دانشگاه پیام نور
- مکارم شیرازی ، ناصر ، ۱۳۷۴ ، تفسیر نمونه ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه
- ملکوتی فر ، ولی الله ، ۱۳۸۸ ، تربیت در نهج البلاغه ، سبزوار ، امید مهر
- پری نوش ، زهره ، ۱۳۸۹ ، تشویق و تنبیه ، اصلی مهم در تربیت اجتماعی ، بازیابی در تاریخ (۴/۳/۱۳۹۰)

از تارنمای <http://www.findfa.com/۸۰۷۵>

شهبازی، جواد، ۱۳۹۰، تشویق کودکان به کدام شیوه، بازیابی در تاریخ (۳/۴/۱۳۹۰)

از تارنمای <http://www.shahbaz.parsiblog.com>

www.rasekoon.net/articel/family/family/knowledge